



## آزادی صدها نفر از فعالین و مبارزین زندانی اخیر کردستان در گرو یک اعتراض و اعتصاب سراسری سازمانیافته است! (مروری بر جنبش توده ایی و انقلابی کردستان)

### سحر صبا

تهاجم اخیر رژیم به کردستان با دستگیر نمودن بیش از ۱۰۰ نفر از فعالین کُرد حقوق زنان، حق تحصیل، کودکان، دانشجویی و محیط زیست در آستانه قیام بهمن ماه نشان از ترس و وحشت نظام سرکوبگری است که بقاء ۴۲ سال از حکومت ننگینش را با سرکوب، زندانی نمودن و اعدام کمونیستها و آزادیخواهان و تحمیل فقر و گرسنگی بر میلیونها انسان بنیان نهاده است.

حکومت سرمایه داری اسلامی ایران با بحرانهای شدید اقتصادی و سیاسی روبرو است، با به بن بست رسیدن در حل اوضاع حاکم بر جامعه تنها راه نجات خود را در اسیر نمودن و به گروگان گرفتن مخالفان خود یافته و با ایجاد فضای رعب و وحشت می خواهد هر فریاد آزادیخواهی و حق طلبی را در سینه خفه کند. از سوی دیگر، با گرانی شدید و تورم ۳۰۰ درصدی و معضل ویروس کرونا که تا کنون جان هزاران نفر را در اثر بی توجهی و بی کفایتی نظام حاکم گرفته، راهی بجز اعتراض و مبارزه با وضع موجود در مقابل توده های کارگر و زحمتکش نگذاشته است، جامعه آبستن حوادثی است که جمهوری اسلامی بشدت از این موضوع در هراس است.

دستگیری بیش از ۱۰۰ نفر از فعالین کُرد و مبارز دقیقاً گروگانگیری از طرف رژیم محسوب شده، که با تمام توان می خواهد هر صدای آزادیخواهی و اعتراض را در این منطقه خفه نماید. اما چرا رژیم از منطقه کردستان بنا به شواهد موجود در طول چهار دهه حاکمیت خود وحشت دارد؟ لازم است با مروری بر تاریخ مبارزات کردستان در طول انقلاب تا کنون به این موضوع مهم بپردازیم.

حرکتهای انقلابی و رادیکالی که در دوران انقلاب در شهرهای کردستان بویژه سنندج با شرکت و مشارکت توده های مردم از پائین شکل گرفت، با یک تغییر و تحول انقلابی همراه بود. قبل از پیروزی قیام و بعد از آن توده های مردم در کنار

جریانات سیاسی چپ و انقلابی فعالانه شروع به ایجاد جمعیتها و شوراهای محل نمودند، تا جائیکه تمام امورات شهر با دخیل مستقیم مردم و نمایندگان آنها در دست گرفته شد و توده های مردم در اداره سرنوشت خود دخیل شدند.

در طول انقلاب جمعیتهای مختلفی شکل گرفت که شوراهای موقت انقلابی ماحصل این "جمعیتها" بودند. محور کار و فعالیت این جمعیتها و خواستهایی که مطرح می کردند عبارت بود از: دفاع از آزادیهای سیاسی، بهبود شرایط کارگران، و مبارزه با فئودالهایی محل، تصرف زمینهای آنها و تقسیم در میان دهقانان.

بینان گذاشتن این شوراها و تحمیل آنها به رژیم در حمله وحشیانه رژیم در نوروز ۵۸ از جمله دستاوردهایی بود که بار سرکار آمدن حکومت ارتجاع اسلامی و حتی سرکوب نمودن آن در این منطقه توانست برای مدتی کار و فعالیت ادامه بدهد.

جنبش توده ایی کردستان با اتکاء به این شوراها و اتحادیه های دهقانان و مبارزات مسلحانه توده ایی که توده های مردم و نیروهای چپ و رادیکال در آن نقش بسزایی داشتند توانست حضور بالفعل خود را با برافراشتن پرچم مطالباتی و با اتکاء به نیروی توده ایی کارگران و زحمتکشان به رژیم تحمیل نماید.

شوراهای محلات با سازماندهی کمیته های امداد، حمل و نقل و تدارکات با مصادره آذوقه، خواربار دولتی و وسائل نقلیه توانستند در ضمن برآوردن نیازهای مردم ثابت نمایند که توده های مردم قادر خواهند بود با اداره شورایی سرنوشت خود را در دست گیرند.

زمانیکه شورای موقت سنج اعلام آتش بس به یورش وحشیانه نیروهای رژیم داد و آنها نپذیرفتند، و جنگ را بر مردم تحمیل نمودند، شورای شهر در دفاع از قتل عام مردم دستور به محاصره در آوردن پادگان ژاندامری را صادر نمود و با مصادره انبارهای تسلیحاتی و مسلح نمودن بخشی از توده های مردم، سربازان اسیر را به شوراهای محلات در شهرها منتقل نموده، و با این اراده انقلابی و جمعی قبول آتش بس را به رژیم تحمیل نمودند.

توده های مردم همگام با نیروهای انقلابی و چپ بدون توهم به ماهیت دو رژیم پهلوی و اسلامی با خنثی نمودن دسیسه ها و توطئه های ارتجاع ضمن اینکه در حفظ دستاوردهای انقلابی می کوشیدند، در روند مبارزه به نیروی اجتماعی خود بیشتر ایمان می آوردند. تشکیل شوراهای مردمی و همزمان در سراسر شهرها، مصادره هزاران هکتار زمین توسط اتحادیه دهقانان و مسلح شدن مردم کردستان، کوچ اجباری مریوان و حضور چشمگیر و مصمم زنان در این مبارزات و سازماندهیها از جمله دستاوردهایی گرانبهایی است، که سبب نهادینه شدن سنتهای مبارزاتی و قوی شدن اتحاد و همبستگی بین توده های مردم در مقابل ارتجاع و دشمن طبقاتی در کردستان تا کنون شده است.

مقاومت و اراده محکم مبارزاتی توده های مردم با حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به شهرهای پاوه، کامیاران و سنج که با اعدامهای وسیع و همزمان در شهرهای کردستان همراه بود، در هم شکست، در عوض رژیم با محاصره و اعتراضات سیاسی اکثریت توده های مردم و برخورد های نظامی روبرو شد. حملات مسلحانه توده ایی در سطح شهرها و خارج آن شکست مفتضحانه ایی به نیروهای سرکوبگر ارتجاعی وارد نمود و آنها را وادار به عقب نشینی کردند. در همین

راستا بود که در پائیز ۵۸ شهرهای تسخیر شده در دست ارتجاع با مبارزه توده ایی یکی پس از دیگری توسط توده های مردم و جریانات سیاسی پس گرفته شد.

این دستاوردهای درخشان و فراموش نشدنی بدون سازمان دادن از طرف هیئت موسس شورای محلات که بر شوراهای شهری نظارت داشتند قطعاً متحقق نمیشد. با بیرون راندن نیروهای ارتجاع و اداره دوباره شهر به دست مردم شوراها بار دیگر تقویت شده و با تمام قوا به میدان آمدند. شورای محلات با در دستور قرار دادن اولویتها و دخالت مستقیم مردم از پائین تمامی امورات معیشتی، سیاسی و امنیتی مردم را به کنترل خود درآوردند. در این راستا کمیته های نظامی، تدارکاتی و عمرانی، امداد و آموزش تحت نظارت هیئت شورای موسس شکل گرفتند و به کار و فعالیت خود بطور پیگیر و شبانه روزی ادامه دادند. در طول ۶ ماه فعالیت هیئت موسس شوراهای محلات و سازمانهای سیاسی توانستند بر سازمانهای دولتی کنترل و نظارت خود را اعمال نمایند. این شوراها بعنوان سیاست گذار و مجری این سیاستها اقدامات و فعالیتهای درخشان و کم نظیری را اجراء و عملی نمودند. بعنوان نمونه: اداره بازرگانی خواربار مورد نیاز محلات را در اختیار شوراهای محلات برای توزیع قرار داده و بطور عادلانه توزیع نمودند. انبارهای دولتی و توزیع آن در محلات شهر و تامین نیازمندیهای توده های مردم، ایجاد کار برای کارگران بیکار، مصادره و توزیع زمینهای اوقاف دولتی در میان مردم بی مسکن در محلات حاشیه نشین شهر توسط شورای محلات و هماهنگی و همکاری کارکنان اداره شهر سازی، کمکهای مالی و تدارکاتی به جنگ زدگان کامیاران و اسکان دادن آنها، تامین نیازمندیهای پزشکی و دارویی و اکیپهای امدادی محلات با همکاری کمیسیون پزشکی سنندج و اسکان دادن معتادین شهر در محلات و بنکها و تلاش برای ترک اعتیاد آنها تحت نظارت کمیسیون پزشکی.

حمله جمهوری اسلامی در مرداد ماه ۱۳۵۸ به کردستان حمله ایی وحشیانه به دستاوردهای انقلاب و تلاش برای به قلع و قمع کشاندن نیروهای انقلابی بود. جنبش توده ایی برآمده در کردستان و سنت مبارزه مسلحانه، و حضور شوراهای مردمی و نیروهای انقلابی و چپ به عنوان یک وزنه قابل موثر و چشمگیر در صحنه سیاسی، این امکان را ایجاد نمود تا در برابر تهاجم نیروهای فاشیستی جمهوری اسلامی یک مقاومت مسلحانه با حمایت وسیع توده ای شکل بگیرد.

در دور اول رژیم جمهوری اسلامی در تقابل با مقاومت جنبش توده ایی و نیروهای مسلح شکست خورد. اما در فاصله کمی دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی تجدید قوا نمود. جنگ بار دیگر در فروردین ماه ۵۹ با حمله جمهوری اسلامی به شهر سنندج آغاز شد. علیرغم تعداد کمی از نیروهای مسلح پیشمرگ در شهر و عدم مشارکت جدی حزب دمکرات در این جنگ نابرابر مردم سنندج طی یک مقاومت توده ای و قهرمانانه ۲۴ روزه، در مقابل حملات سنگین مزدوران رژیم که با توپ باران و خمپاره باران همراه بود مقاومت نمودند. شهر پس از یک جنگ ناعادلانه که همراه با کشته و زخمی شدن صدها نفر همراه بود به تصرف نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی درآمد. شهر های دیگر کردستان یکی بعد از دیگری که با تلفات شدید و خونین همراه بود به دست جنایتکاران رژیم سرمایه داری اسلامی افتاد. با تصرف شهرها اولین حمله به شوراهای محلات، تشکلهای کارگری و ترور فعالین کارگری و سیاسی آغاز شد.

زمینه های ذهنی و عینی و کم رنگ بودن نقش مذهب در کردستان این ویژگی را به این منطقه داد که جمهوری اسلامی به قدرت رسیده از نظر مادی نتواند پایه ای در آنجا داشته باشد و نیروهای چپ و رادیکال دست بالا را پیدا نمایند. ماحصل این

حرکت با شکل‌گیری آزادی بی‌قید و شرط بیان، مطبوعات و تشکل، ایجاد جمعیت‌های دفاع از آزادی و انقلاب و آزادی حمل اسلحه در تمام شهرهای کردستان همراه بود، بموازات آن تشکلهای کارگری و اتحادیه‌های دهقانی در مقابل مالکان و اربابان سابق با مسلح نمودن دهقانان سرعت شکل‌گرفتند.

مهمترین تشکلهای کارگری که در این دوره شکل گرفتند از جمله " اتحادیه کارگران فصلی و بیکار سنندج"، " خانه کارگر سنندج"، " خانه کارگر مهاباد"، " سندیکای کارگران بیکار مهاباد"، " سندیکای کارگران بیکار بانه"، " کانون کارگران بیکار سردشت"، " اتحادیه کارگران نرده"، " اتحادیه کارگران بوکان"، بودند.

بعد از این حمله ضرورت مقاومت مسلحانه در برابر جمهوری اسلامی جزء الویته‌ها و مسائل محوری جامعه قرار گرفت. در متن چنین مقاومتی بود که احزاب سیاسی کردستان در ابعادی اجتماعی سازمان یافت.

در طول سال ۵۸ سراسر کردستان شاهد تظاهرات، راهپیمایی‌ها، تحصن‌ها، و اعتصابات کارگری بود که خواست اکثریت آنها بیمه بیکاری، کاهش ساعات کار، و افزایش دستمزدها بود. خواست و مطالبات یک دوره، تقریباً در همه شهرها خواست بیمه بیکاری و یا وام بیکاری به دولت تحمیل گردید.

درگیری با دولت، در فروردین ۵۸، تلاش رژیم برای محدودکردن آزادیهای سیاسی و تحمیل سلطه حاکمیت مذهبی بر کردستان با موفقیت چندانی روبرو نشد. شورای شهر سنندج آلترناتیوی بود که در مقابل تلاش دولت شکل گرفت و مطرح گردید. بدنبال آن شورای شهر مریوان و سپس کوچ اعتراضی تمام مردم شهر مریوان در تابستان همان سال در تقابل با حمایت جمهوری اسلامی از مالکان و اربابان و تهدیدات نظامی شان شکل گرفت. این کوچ توسط شورای شهر مریوان و با حمایت جمعیت‌های دفاع از آزادی و انقلاب و اتحادیه دهقانان مریوان سازمان یافت و مورد حمایت مردم بسیاری از شهرهای کردستان و بویژه سنندج قرار گرفت.

گسترش آزادیهای دموکراتیک در کردستان ایران طی آن دوره نشان داد که این نوع رادیکالیسم به لحاظ اجتماعی قادر به بسیج نیرو است. امکان رادیکال شدن و رادیکال ماندن فضای سیاسی کردستان ایران در طول سالهای دهه ۶۰ و بویژه در فاصله ی سه سال اول جنگ کردستان (۵۸ تا ۶۱) نتیجه تلاش و مبارزه نیروهای چپ و انقلابی و به میدان آمدن توده‌های کارگر و زحمتکش و رهبری آنها در کوران مبارزه طبقاتی در تقابل با جنگ تحمیل شده ارتجاعی بود.

در این فاصله بود که جنگ ایران و عراق شروع شد، مصائب این جنگ هم‌گریبان مردم کردستان را گرفت. از نتایج این جنگ زورگویی، سربازگیری، فلاکت مالی و فقر بیشتر، بمباران و غیره بود که مردم کردستان چاره‌ای جز مقابله و مبارزه با آن نداشتند. عقب‌نشینی مبارزه مسلحانه، اشغال نظامی کردستان، کشیده شدن جنگ به کردستان و عواقب آن، با فلاکت بیشتر همراه بود، که به یمن مبارزه توده‌ای و باز شدن فضای سیاسی نسبی برای اعتراض، بتدریج مبارزه اعتراضی توده‌ای را مجدداً شکل داد. تأثیرات این جنبش توده‌ای رادیکال در کردستان در رشد جنبش کارگری و مبارزات کارگری تأثیر بسزایی داشت. آنچه سیمای برجسته جنبش توده‌ای کردستان در آن دوره را از سایر جنبشهایی که در دوره‌های قبل در کردستان بوقوع پیوسته بود متمایز می‌ساخت رادیکالیسم چپی بود که حیات سیاسی خود را با طبقه کارگر

جامعه کردستان گره زده بود. از ویژگیهای جنبش توده ای این بود که برای اولین بار در تاریخ مبارزات سیاسی کردستان، به شکل پلانترمهای مشخص سیاسی و روشن خواستها و مطالبات توده های مردم از جمله: آزادیهای وسیع دموکراتیک، برخورداری از حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، برابری کامل حقوق زن و مرد، جدائی مذهب از دولت، افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، بیمه بیکاری و..... مطرح شد.

در این دوره مبارزات همه جانبه ای بر علیه جنگ ایران و عراق بشکل اعتراض بر علیه سربازگیری و تحریم عمومی عوارض و مالیاتهایی که در ارتباط با جنگ مطالبه میشدند درگرفت. تظاهرات ضد جنگ تا حدود زیادی عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ نمود و دست و بال او را در انجام عملکردهای ضد انسانی اش محدود نمود. مبارزه و اعتراضات توده های کارگر و زحمتکش شرایط و فضای سیاسی را تا حدودی تغییر داد دهها اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها در داخل و خارج شهرهای کردستان در این دوره بوقوع پیوست. این اعتصابات تأثیرات عمیقی را به لحاظ آگاهی سیاسی و حول هماهنگ کردن دستمزدها ایجاد نمود. طبقه کارگر کردستان فاقد تشکل توده ای وسیع بود اما در همان حال اشکال مبارزاتی در ابعاد خود نمایانگر درجه ایی از آگاهی سیاسی، سازماندهی و ارتباطات درونی شبکه های محافل کارگری و رهبران عملی کارگران بود. البته اعتراضات و اعتصابات کارگری دیگر تنها مختص به کوره پزخانه ها نبود ( کارگران فصلی بخش وسیعی از طبقه کارگر کردستان را تشکیل میدهند.) محیطهای کارگری دیگر هم شاهد این اعتراضات و اعتصابات بودند. از حرکتها ی برجسته در کردستان مراسمهای مستقل و با شکوه اول ماه مه ها در شهرهای کردستان بود. هزاران کارگر و زحمتکش هر سال علیرغم ممانعت دولت و دستگیرهای بعد از آن، با خواستهای سیاسی رادیکال و انترناسیونالیستی مراسم اول ماه مه را برگزار نموده اند. سال ۶۸ طبقه کارگر کردستان و توده های زحمتکش شاهد یکی از باشکوه ترین مراسمهای اول ماه مه در شهر سنندج بود، شش هزار نفر در این مراسم شرکت نمودند و سخنران این مراسم جمال چراغ ویسی یکی از کارگران سوسیالیست بود که به جرم سخنرانی در این مراسم اول ماه مه بدست جنایتکاران رژیم اعدام شد. در این مراسم قطعنامه هایی صادر شد، همزمان با این مراسم در شهر سنندج هزاران کارگر در شهرهای دیگر کردستان نیز مراسمهای اول ماه مه را برگزار نمودند. قطعنامه کارگران سنندج توانست تصویر روشنی از تأثیرات، اهداف و آرمانهای این حرکت را بدست بدهد. قطعنامه اول ماه مه سنندج کاملاً محتوایی طبقاتی و انترناسیونالیستی داشت و در همبستگی با کارگران جهان این روز برگزار میشد. متن قطعنامه ها کاملاً خواستها و مطالبات کارگری را بیان میکرد: از جمله **خواست تعطیلی اول ماه مه، خواست آزادی تشکلهای کارگری، خواست برابری کامل حقوق زنان و مردان، خواست بیمه بیکاری، خواست ممنوعیت کار کودکان، خواست افزایش دستمزدها، اعلام همبستگی بین المللی از مبارزات کارگران در سراسر نقاط جهان.** عنوان کردن این مطالبات در آن دوره چهره ای سیاسی و طبقاتی از مبارزات مردم کردستان را بوضوح نشان می داد.

فعالیت علنی فعالین چپ کارگری جنبش کارگری که در اول ماه مه سال ۱۳۸۳ آغاز شد و به دستگیری کارگران سقز منجر شد مورد حمایتهای زیادی در داخل و خارج ایران قرار گرفت، سبب شد جنبش کارگری ایران به جلوی صحنه بیاید و ابتکار عمل را بدست بگیرد. در این راستا بود که کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری در کردستان شکل گرفت.

در ادامه این فعالیتهای علنی که فعالین کارگری کردستان تا کنون بهای سنگینی از زندان و شکنجه و محکومیت برای آن پرداخته اند، هر سال بر این تلاش بوده اند روز اول ماه مه را برگزار نمایند. در مواردی به علت شرایط سرکوب و امنیتی شدید این روز بصورت گلگشتها با شرکت کارگران و خانواده هایشان و یا بصورت محفلی برگزار میشود. اما در این میان مراسم روز جهانی کارگر در سنندج گاه تفاوت های ویژه ای نسبت به دیگر شهرها داشته است. هر چند یاد آوری این نکته ضروری است که سنت برگزاری مراسم اول ماه مه در سنندج سابقه طولانی دارد و در سختترین شرایط این روز به اشکال مختلف برگزار شده و ما در سال های ۱۳۸۴ و سال ۱۳۸۵ هم شاهد راهپیمائی در روز جهانی کارگر بودیم. در یکی از مراسمهای اول ماه بود که تعداد بیشتری از کارگران و خانواده های کارگری در گرامیداشت این روز حضور داشتند و حتی جمعی از کارگران خباز سنندج و جوشکاران و زنان در این روز اعلام حمایت کرده و در این راهپیمائی شرکت کردند که عکس و فیلم این راه پیمائی در رسانه ها هم پخش شد. یکی دیگر از ویژگی های مراسم روز جهانی کارگر در سنندج، این بود که سازماندهی و چگونگی برگزاری این مراسم از طرف خود کارگران صورت میگرفت و تا جاییکه امکان داشت سعی می نمودند در روند مبارزه خواستهای خود را تحمیل کنند. دیگر ویژگی این بود که با توجه به فضای میلیتاریزه کردستان و دستگیری تعدادی از کارگران و فعالین کارگری و احضار این کارگران هیچ خللی در برگزاری این روز بوجود نیامد و کارگران در سنندج با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد نشان دادند، نه تنها مرعوب نشدند بلکه در حالی که چهار نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در زندان بودند شعار آزادی آنها را سر دادند و بعد از برگزاری مراسم در چند تجمع در مقابل اداره اطلاعات سنندج به دستگیری این کارگران اعتراض کردند. حضور گسترده کارگران و مردم زحمتکش در برگزاری این اول ماه مه ها برجسته بوده و روند مبارزه طبقاتی در کردستان گویای این است هر چه تضاد طبقاتی، عمیق تر می شود خواست مردم کردستان طبقاتی تر و مطالبه آنان بیشتر به مطالبات سراسری طبقه کارگر گره می خورد. در این راستا است که امروز فعالین جنبشهای اجتماعی با تمام سرکوبها و ممانعتها در عرصه سیاسی و مبارزاتی جامعه کردستان فعال هستند، امروز دستگیری بیش از ۱۰۰ فعال این جنبشها انعکاسی از این شرایط مبارزاتی است. امروز خواست کلی مردم در کردستان جدا از خواست عمومی مردم کارگر و زحمتکش ایران نیست. امروز کارگر کرد به همان اندازه شعار "نان، کار، آزادی" برایش در اولویت است که کارگر ترک، فارس، لر و عرب و... امروز همان اندازه مردم کردستان نیاز به آزادی تشکل، آزادی بیان آزادی احزاب و... دارند که دیگر هم طبقه ایهای کارگر و زحمتکش آنها در دیگر شهرهای ایران.

از حرکتهای توده ایی برجسته و سراسری در کردستان اعتصاب عمومی بر علیه محکومیت اعدام ۵ تن از زندانیان سیاسی فرزاد کمانگر و ۴ زندانی سیاسی دیگر بود. حکومت جنایتکار و فاشیست اسلامی با به دار آویختن ۵ جوان مبارز و آزادیخواه با ایجاد ارباب و زهر چشم گرفتن از مردم مبارز کردستان تلاش نمود آنان را از مبارزه علیه ارتجاع اسلامی باز دارد. اما مردم زحمتکش کردستان با اعتصاب سراسری خود بار دیگر اتحاد و همبستگی را ثابت نموده و نفرت خود را به اعمال جنایتکارانه رژیم پاسخ دادند. پاسخی که رژیم اسلامی از این حرکت سراسری گرفت این بود که هر اقدامی جهت سرکوب و کشتار مردم در کردستان می تواند در حرکتی یکپارچه و سازمانیافته، پاسخ دندان شکنی به رژیم بدهد. از ویژگیهای این اعتصاب سراسری نوع سازمانیافتگی و همبستگی توده ایی بود که در مدت زمانی کوتاه از طریق فعالین کارگری و نیروهای چپ در منطقه فراخوان داده شد، و توده های مردم به این فراخوان انقلابی پاسخ دادند. این اعتصاب

یکپارچه و سراسری که شامل کارگران، کارمندان ادرا، معلمین، دانشجویان و دانش آموزان و بازاریان بود، همزمان در سنج و دیگر شهر های کردستان به اجرا در آمد، یکبار دیگر سنتهای قوی جنبش توده ایی کردستان که با وجود دهه ها سرکوب هنوز به قوت خودش باقی است، نشان داد که توده های زحمتکش کردستان فقط با اتکاء به نیروی توده ایی خود خواهند توانست، بر علیه هر نوع بی حقوقی و نابرابری، ستم و استثمار برخیزند و مشت محکمی بر دهان دشمن تا دندان مسلح وارد نمایند.

از نمونه های دیگر مبارزه مردم کردستان بر علیه رژیم که بدون توهم و عدم سازش انجام گرفت تحریم انتخابات ارتجاعی جمهوری اسلامی و نه گفتن به هردو جناح ضد انقلابی حکومت بود. نمونه دیگر مبارزات درخشان مردم کردستان مشارکت در خیزش توده ایی آبانماه ۹۸ بود که همزمان و همسو با ۱۰۰ شهر ایران بمدت ده روز به مبارزه ایی بی امان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شد و توده های زحمتکش کردستان هم صدا با دیگر توده های کارگر و زحمتکش ایران خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی شدند.

یکی از شاخصهای مهم مبارزاتی مردم کردستان بعد از انقلاب این است، که مبارزه انقلابی مردم کردستان علیه ستم ملی به مبارزه ای توده ای و رادیکال تبدیل شده که تا به امروز تدوام یافته است. این مبارزه به یک جنبش اجتماعی تبدیل شده که در واقع نیروهای چپ و سوسیالیست از سردمداران این جنبش محسوب میشوند. یکی از ویژگیهای این مبارزه برای رفع ستم ملی در کردستان ایران همسویی این مبارزه با مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقاتی ای که با شرکت مستقیم طبقه کارگر کردستان و به نمایش گذاشتن قدرتش در برگزاری مراسمهای اول ماه مه ها در فضای اختناق جمهوری اسلامی از پتانسیل قوی برخوردار بوده و هست.

در طول ۴۲ سال حاکمیت رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران، کردستان انقلابی مرتبا آماج هجوم وحشیانه این رژیم فاشیستی بوده است و همیشه توده های مردم این خطه دست به مبارزه و مقاومت بیباکانه در مقابل رژیم جمهوری اسلامی زده اند و در مسیر مبارزه انقلابی خود با رژیم جمهوری اسلامی بیشمار انقلابیون کمونیست و سوسیالیست را از دست داده است.

حمله و تهاجم رژیم به کردستان بعد از انقلاب تا به امروز مقاومت توده های زحمتکش کردستان را به همراه داشته است. تهاجم رژیم برای تثبیت قدرت سیاسی و اقتصادی خویش تنها به کردستان محدود نشده بلکه در سراسر ایران حمله گسترده ای را بر علیه جنبشهای اجتماعی، بویژه جنبش کارگری تدارک دیده است. این همان وظیفه ای بود که به جمهوری اسلامی تا کنون در دید کشورهای امپریالیستی و نیز بورژوازی ایران مقبولیت و مشروعیت داده است. کما اینکه در طول این سالها جنبش زحمتکشان در کردستان چیزی مجزا از جنبش سراسری توده های کارگر و زحمتکش ایران نبوده و کاملاً به هم گره خورده اند و سرکوب یکی می تواند تأثیرات منفی فراوانی بر دیگری داشته باشد.

امروز، با رشد جنبش در این منطقه و نبرد طبقاتی ای که در دل جامعه کردستان جاری می باشد، همزمان با بحرانهای اقتصادی و سیاسی شدید که دامنگیر رژیم شده است و تورم و گرانی سرسام آوری که هستی میلیونها کارگر و زحمتکش را به کام فقر و فلاکت و مرگ کشانده است، همزمان با پیشروی جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران، و

اعتراض هر روزه آنها با شعار " نان، کار و آزادی، در کف خیابانها طنین انداخته است مجموعه این مبارزات ویژگی خاصی به مبارزه طبقاتی بر علیه نظام سرمایه داری حاکم در این دوره داده است، دستگیری بیش از ۱۰۰ نفر از مبارزین و فعالین جنبشهای اجتماعی کردستان دقیقا در این چارچوبه می گنجد. رژیم برای تداوم به عمر ننگینش و وحشت از اعتراضات و اعتصابات چاره ایی جز سرکوب و قلع و قمع فعالان سیاسی و کارگری نمی بیند اما فضای رعب و وحشت که رژیم امروز ایجاد نموده ضعف او را بیشتر نمایان میسازد تا تثبیت قدرت سیاسی و اقتصادی اش.

سوال این است چرا رژیم نوک حمله اش را بیش از هر جای دیگری متوجه کردستان نموده است و با این یورش وحشیانه و دستگیریهای وسیع عملا ترس و وحشت خود را از این منطقه ابراز میدارد؟ بنا به سابقه درخشان مبارزاتی مردم کردستان در طول چهار دهه حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی همانطور که این نوشته به بخشهایی از آن اشاره نموده، ما هم شاهد هستیم از بدو انقلاب تا کنون کردستان از نظر رشد جنبشی و حرکتهای سراسری و یکپارچه، نقش کارگران و فعالین سوسیالیست در عرصه سیاسی این منطقه رو بجلو بوده است. در این شرایطی که ایران آبستن تغییر و تحولاتی از نظر سیاسی است، کردستان از زمره مناطقی خواهد بود که با توجه به پیشتاز بودنش در امر مبارزات توده ایی و رادیکال و فراهم بودن زمینه های عینی و ذهنی آن، با وقوع هر تغییر و تحولی بلافاصله مردم متحدانه با استفاده از تجارب و شیوه های مختلف مبارزاتی، بویژه تشکیل شوراهای توده ایی و مردمی در برانداختن رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی بمیدان آمده و نقش مهمی را ایفاء خواهند نمود.

اما آنچه امروز سرنوشت و آزادی بیش از ۱۰۰ نفر از مبارزین و آزادیخواهان در بند که جمهوری اسلامی برای خفه نمودن هر صدای آزادیخواهی در منطقه آنها را به گروگان گرفته در گرو یک حرکت یکپارچه، متحد و سراسری توده های مردم کردستان از جمله اعتصاب سراسری و یا تظاهرات و اعتراضات توده ایی در جلو زندانها برای آزادی عزیزانشان میباشد. قطعا جنبش توده ایی کردستان بنا به سابقه درخشان مبارزاتی که در طول حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی از خود نشان داده ثابت نموده که از این پتانسیل قوی برخوردار است که اینبار هم با یاری سوسیالیستهای کردستان و اتکاء به نیروی طبقاتی کارگران و زحمتکشان آن منطقه، حرکتی را سازمان دهد که نه تنها ضامن آزادی زندانیان سیاسی باشد بلکه رژیم را دهها قدم به عقب نشینی وادارد و تأثیرات بس مثبتی در صحنه مبارزات طبقاتی ایران هم بگذارد. با وجود تمام جنایت ها و فجایعی که سرکوبگران از قتل عام شهرهای کردستان، اعدامهای دسته جمعی، دستگیری و زندان و شکنجه در رابطه با مردم کردستان آفریده اند، جنبش توده ایی کردستان ثابت نموده که همچنان ادامه دارد گرچه رژیم از تمام ظرفیت های امکاناتی و همه مزدوران خود استفاده کرده تا جنبش را سرکوب نماید اما تا کنون موفق نشده، زندانی نمودن یکبارہ بیش از ۱۰۰ نفر و منتقل نمودن آنها به مناطق نامعلومی و بیخبر گذاشتن خانواده هایشان از وضعیت آنها دقیقا نشان از ضعف و زبونی این رژیم اعدام و سرکوب است. کردستان که همواره سنگر مقاومت و دفاع از آزادی و برابری انسانها است تنها با نیروی توده ایی کارگران و زحمتکشان ضامن آزادی این عزیزان دربند بوده و خواهد توانست پوزه این جنایتکاران تاریخ را به خاک بمالد.

۱۸ فوریه ۲۰۲۱

۳۰ بهمن ۱۳۹۹